

قلمرو زبانی

- ۱- معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.
(الف) این عیار مهر و کین مرد و نامرد است. (ب) سورت سرمای دی بیدادها می کرد.
(ج) با صدایی مرتعش، لحنی رجزمانند (د) چوب دستی منتشا مانند در دستش
(ه) آن هریوه ی خوب و پاک آیین- روایت کرد.
- ۲- نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.
ناگهان انگار بر لب آن چاه سایه ای را دید او شغاد، آن نابردار بود.
۳- با توجه به شعر زیر، به سؤالات داده شده پاسخ دهید:
« بعد چندی که گشودش چشم / رخس خود را دید/ بس که خورش رفته بود از تن.»
الف. «ش» در گشودش، «مضاف الیه» کدام واژه است؟
ب. مرجع ضمیر «ش» در واژه ی خورش چیست؟
- ۴- در شعر زیر، به ترتیب، «مشبه» و «مشبه به» را مشخص کنید.
۵- در شعر زیر ادات تشبیه را مشخص کنید.
« همگنان خاموش / گرد بر گردش، به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش »
« قهوه خانه گرم و روشن بود، هم چون شرم...»
۶- با توجه به شعر زیر، به پرسش ها پاسخ دهید:
« مرد نقال- آن صدایش گرم، نایش گرم/ آن سکوتش ساکت و گیرا/ و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم- راه می رفت و سخن می گفت.»
الف) شاعر صدای گرم و گیرای نقال را به چه چیزی تشبیه کرده است؟
ب) منظور از « حدیث آشنا» چیست؟
- ۷- در مصراع « او شغاد، آن نابردار بود » یک ایهام وجود دارد، آن را بیابید و معانی مختلف آن را بنویسید.
- ۸- عبارت های مشخص شده در هر یک از اشعار زیر از نظر آرایه های ادبی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟
الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج او گم شد.
ب) آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - / گم نمی شد از لبش لبخند

قلمرو فکری:

- ۸- این عیار مهر و کین مرد و نامرد است. (معنی)
- ۹- مرد نقال از صدایش ضجه می بارید/ و نگاهش مثل خنجر بود (معنی).

۱۱- همگنان را خون گرمی بود (معنی).

۱۲- آری اکنون تهمتن با رخس غیرت مند / در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان ، گم بود (معنی).

۱۳- همگنان خاموش / گرد بر گردش ، به کردار صدف برگرد مروارید / پای تا سر گوش (معنی).

۱۴- این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد. (معنی)

۱۵- شیر مرد عرصه ی ناورد های هول. (معنی)

۱۶- با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید:

« رخس را می دید و می پایید / رخس ، آن طاق عزیز ، آن تای بی همتا / رخس رخشنده / با هزاران یاد های روشن و زنده. »

الف. « طاق » به چه معناست؟ ب. منظور از « هزاران روشن و زنده » چیست؟ ج. در متن بالا یک حس آمیزی بیابید.

۱۷- در مصراع « کان کلید گنج مروارید او گم شد. » منظور از « کلید گنج مروارید » چیست؟

۱۸- با توجه به شعر: « قصه است این ، قصه ، آری قصه ی درد است / شعر نیست / این عیار مهر و کین و مرد و نامرد است / بی

عیار و شعر محض خوب و خالی نیست » شاعر چه تفاوتی بین شعر خود و دیگر سروده ها قائل شده است؟

۱۹- منظور از « خوان هشتم » در شعر زیر چیست؟

« پهلوان هفت خوان ، اکنون / طعمه ی دام و دهان خوان هشتم بود. »

۲۰- با توجه به مصراع « گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید. » ، منظور از « صدف » و « مروارید » چه کسانی

هستند؟

۲۱- براساس بیت « آری اکنون شیر ایران شهر / تهمتن گُرد سجستانی » ، « تهمتن گُرد سجستانی » لقب کیست؟

۲۲- عبارت زیر درست است یا نادرست؟

در شعر « سورت سرمای دی بیدادها می کرد / و چه سرمایی ، چه سرمایی ! » تکرار « چه سرمایی چه سرمایی » نشانه ی

تأکید بر ظلم است.

۲۳- بخش زیر از شعر « اخوان ثالث » است . به دو پرسش بعدی پاسخ دهید.

« چاه غدر ناجوان مردان / چاه چونان ژرفی و پهناس ، بی شرمیش ناباور / و غم انگیز و شگفت آور »

الف- اشاره به چه موضوعی دارد؟

ب- چه چیزی را توصیف می کند؟

جواب ها

۱- الف) ابزار و مبنای سنجش ، معیار

ب) تندى و تیزی ، حدت و شدت

ج) دارای ارتعاش ، لرزنده

د) نوعی عصا که از چوب گره دار ساخته می شود و معمولاً درویشان

و قلندران به دست می گیرند.

ه) هراتی (اهل هرات)

۲- ناگهان : قید - چاه : مضاف الیه _ سایه : مفعول - شغاد : مسند - نابردار : بدل

۳- الف. چشم. ب. تن (رخس)

۴- مشبه: قهوه خانه. مشبه به: شرم.

۵- به کردار

۶- الف: حدیث آشنا. ب: داستان های شاهنامه

دانلود از اپلیکیشن پادرس

۷- ایهام : نابردار ، الف) برادر ناجوانمرد (ب) برادر ناتنی

۸- الف (استعاره ب) تشبیه (مشبه به)

۸- این شعر ابزار سنجش محبت و دشمنی / جوانمرد و ناجوانمرد است.

۹- در صدای مرد داستان گو غمی پنهان بود (بیان غمگینی داشت) و تند و تیز نگاه می کرد.

۱۰- تندی و شدت سرمای دی ماه بسیار بود (هوا خیلی سرد بود).

۱۱- همگی صمیمی بودند.

۱۲- آری اکنون رستم تنومند همراه اسب غیرت مند خود (رخس) در ته این چاه گرفتار شده بود. چاهی که در آن به جای آب، زهر شمشیر و نیزه بود.

۱۳- مردم همه ساکت بودند، هم چون صدفی که مروارید را در میان بگیرد، مرد نقال را در میان گرفته بودند، و به سخنان نقال با تمام وجود گوش می کردند.

۱۴- شاید این اولین بار بود که رستم لبخند نمی زد.

۱۵- رستم ، مرد شجاع میدان های نبرد هول انگیز.

۱۶- الف. تک (یکتا ، یگانه) ب. خاطرات روشن و به یاد ماندنی. ج. یاد های روشن.

۱۷- لبخند.

۱۸- شعر خود را فقط دارای ظاهر زیبا نمی داند بلکه محتوا و مفهوم آن را ارزشمند می داند.

۱۹- چاهی که رستم با رخس در میان آن افتاد.

۲۰- صدف: افراد داخل قهوه خانه. مروارید: نقال.

۲۱- رستم

۲۲- درست

۲۳- الف) گرفتار شدن رستم در چاه (ب) بی شرمی حیله و نیرنگ